



18 اکتوبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

شرح مختصر پیرامون اعلامیه ای تحت عنوان: "کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان" (قسمت هفتم)

یک سند تاریخی: اعلان الغای بعضی نوآوریها :

در اعلامیه "کشف الحال نادر..." که به قلم امان الله غازی نوشته شده در دو جا شاه سابق به بعضی اشتباهات خود اعتراف کرده و نوشته است: «وقتی که من عازم اروپا شدم، ضرور دانستم با خانم خود بروم تا مورد اشتباهات بیجای مخالفین خود نشوم باز چیزی که درین مسأله از من سهو شده باشد از درگاه خداوند غفور عفو می‌خواهم و امیدوارم چون نیت من بد نبوده است، حضرت خداوند غفار و رحیم ببخشاید»؛ اودر جای دیگری نویسد: «اگر چه من اعتراف می‌کنم که در اواخر عاید به بعضی چیزها از حدود اعتدال گذشته و در فرط سعادت مملکت همه چیز را فراموش کرده بودم، اما رفتار من در مملکت چه از حیث مناسبات مساویانه و صلح پرورانه با خارجی‌ها وارد نشدم؛ به هیچکدام شان و قائم داشتن شرف ملی و چه از حیث شناختن تقاضاهای عصر و زمان برای اداره داخلی مملکت بهترین رفتار بود و آرام ترین ایام، ایام من بود».

با دو اعتراف فوق از یکطرف و اینکه بعضی برای ثبوت اصالت اعلامیه فوق که واقعاً بقلم شاه مذکور نوشته شده و بنابراین طالب اصل سند در زبان اردو شده اند از طرف دیگر، لازم دانستم یک سند مهم تاریخی را باز نشر کنم که هم محتوای آن در بسا موارد با متن اعلامیه وفق دارد و میتواند مصدق اصلیت اعلامیه و وسیله اثبات آن نوشته بقلم امان الله غازی باشد و هم میتواند شاهد اعلام الغای بعضی اقدامات و نوآریهایی باشد که موجب آزردگی خاطر مردم شده و شاه در آخرین روزهای سلطنت خود آنها را ملغی قرار داده بود. این سند که تحت عنوان "اعلان شاهی" بتاريخ 15 جدی 1307 (مطابق 23 رجب 1347 - 5 جنوری 1929) در قید 18 ماده رسماً انتشار یافت، با آنکه کمتر اثر در رفع ناآرامی‌ها و پیگرد اغتشاش داشت، اما یک نمونه مشهود از نیت بهیخواهانه شاه غازی را در برابر آرزومندی‌های مردم به اثبات میرساند.

باید خاطر نشان ساخت که متن مکمل و اصل این اعلان شاهی در آرشیف ملی موجود است که نقل آنرا شهرت ننگیال در کتاب "اسناد و نامه های تاریخی افغانستان" درج نموده است و اما استاد عزیزالدین پوپلزائی در کتاب "سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان" (جلد دوم، قندهار، 1396، صفحه 455 تا 458) از جمعاً 18 ماده صرف به ذکر 13 ماده آن بسنده کرده و آنها را با عباراتی که از سند اصلی کمی متفاوت است. لذا کسانی که در زمینه آرزومند تحقیق مزید باشند، بهتر است به متن مکمل که با متن اصلی انطباق دارد، مراجعه نمایند.

متن مکمل اعلان پادشاهی

اعلان پادشاهی

برخاطر صداقت مظاهر رعایای عزیزم پوشیده مباد که اولاً بتحریر سرانگشت دشمنان داخلی و خارجی بعضی از قبایل سمت مشرقی تحت تأثیرات مخالفین این ملک و ملت نادانسته درآمده و بر علیه حکومت متبوعه خود عصیان ورزیده در نتیجه ضد بیجا و بی سبب به اموال و عمارات حکومتی در بعضی حصه های سمت مشرقی و به اسباب و سامانی که در آن موجود بود، خسارت رسانیده اند یا در جنگ اشتراک کرده اند.

چون من خوب میدانم که این حرکات فقط به سبب تحریکات مخالفین نادانسته و ناخواسته سرزده است، لهذا من هیچکسی را برای این حرکت اراده جزاء دادن ندارم و عفو نموده ام. یک اولاد هر قدر ابراز نادانی بکند، ولی پدر هیچگاه آنها را به نظر دشمن و مخالف ندیده و از خود جدا نمیکند.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنډي د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

همچنین واقعات آنجائی نسبت به تلف اموال و سامان را من به همین نظر دیده و شما را اطلاع میدهم که شما نادانسته بدینصورت موجب تقویت اشرار میگردید. بعد ازین همچو حرکاتی که مخل امنیت و اهالی شهرها و محلات خود تان میشود، دست بکشید، تا هم خلق خدا آسوده و هم شما بموجب این عفو از بازخواست حکومت فارغ گردید.

دوم: درباب بعضی افواها و شایعات که نسبت بحركات من و خلاف بودن آنها به شرع شریف در بعضی حصص سمت مشرقی انتشار یافته است و مخالفین صاحب غرض آنرا مستمسک خودها قرار داده موجب شکستن اتفاق این ملت و حکومت گردیده اند، من محض برای دوباره بهم آوردن این اتفاق که روح و روان و حیات مملکت شمرده میشود، بعضی مطالب را که حسب مسموع اسباب هیجان گردیده بود، اصلاح نمودم. هرچند مطالب مذکوره در جرگه ازطرف عموم وکلای افغانستان پیشنهاد یا قبول شده بودند، اما چون امروز موجب آزردگی و هیجان گردیده است، من هر فقره را بصورتی که در ذیل این اعلان می بینید، اصلاح نموده ام. اگر علاوه برین مواد دیگری باشد، آنها را هم مجلس اعیان که در فقره 2 ذکر شده است، مذاکره و اصلاح خواهد نمود:

1 - مشهور شده است که من نعوذاً بالله منها دراحترام به حضرت خیرالبشر علیه افضل الصلوة واکمل الحیات کمی کرده ام، ثم نعوذاً بالله. من ازین خیرانقدرمتأثر و غمگینم که از هیچ چیزدیگر دردنیا غمگین نخواهم شد. من که هر وقت در نماز و خارج نماز درودها بروح پرفتور حضرت سرورکائنات می خوانم، چطور میتوانم که دراحترام آنحضرت صلی الله علیه و سلم ادنا شائبه ای بخاطر خود راه بدهم. من به ملت عزیز خود تسلی واطمینان میدهم که من محبت و احترام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم را سرمایه ایمان و سعادت دارین خود دانسته و شرط اول صادق بودن به کلمه لاله الا الله محمد رسول الله را احترام و محبت بحضرت ختمی مرتبت میدانم. این افواها بی سرو پا فقط ازطرف مخالفین صاحب غرض و دشمنان این ملک وملت اسلامی نشر وشایع میشوند، مثلی که بارها بشما یادآوری کرده ام، باز بشما خبر میدهم که از مکائد و فتنه و شرارت این دشمنان مملکت غافل نبوده و برقول هرکس اعتماد نکنید، تا موجب تفرقه کلیه ملت نشوید.

2 - به تجربه پیوسته است که پیشنهادهایی را که وکلای ملت در جرگه ها قبول میکنند، باز هم علماً بآن اعتراض مینمایند سبب آن بوده است که در زمره وکلا مردم علما را انتخاب نکرده بودند. اگرچه برای انتخاب علما هیچ ممانعتی ازطرف من نبوده است.

برای رفع این نقیصه چنان چاره سنجیده شد که یک مجلس دائمی درخود مرکز که اقلأ پنجاه نفر عضو داشته و از علمای منتخب و مشهور (که انتخاب آنرا سائر علمای افغانستان کرده خواهند بود) و سرداران و خوانین و مامورین صاحب اختصاص مرکب خواهد بود، تشکیل میشود، تا هر چیزی را که مجلس وکلا فیصله کند، مجلس اعیان نیز آنرا غور خواهد کرد، مخصوصاً اطراف دینی مسایل را تا تمام مطابق احکام شرع شریف و مذهب حنفی باشد. تا مجلس هذا تصویب مواد مذکور را ننماید، در معرض تعویل گذاشته نخواهد شد و در نظامات موجوده نیز آنچه را مجلس مذکور خلاف شرع بیابند، اصلاح نمایند. اعضای مجلس مذکور معاش معقول خواهند داشت.

3 - قبل ازین نیز تقرر مدعی العموم را در نظر داشتم چنانچه نظامنامه شورای دولت ساخته شده بود. حالا که آنرا ملت مطالبه میکند، تقرر آنها را تحت یک نظامنامه معین منظور میدارم.

4 - دخترهائیکه در خارج برای تعلیم فرستاده شده اند، بخیل بعضی ها رسیده است که آنها به ممالک غیراسلامی فرستاده شده اند، حاشا و کلا! آنها درممالک غیراسلامی نرفته فقط درترکیه برای تحصیل طبابت مخصوص زنانه که در وقت ضرورت زنهای مسلمان مجبور به علاج ازطرف طبیب های مرد نباشند، ارسال گردیده اند. مکتبی که آنها در آن درس میخوانند، خود من بالذات دیده ام. مکتب مذکور درترکیه مخصوص تعلیم زنهابست. طالبات مذکوره به زیر نگرانی خصوصی عیال سفیر افغانی درانقره غلام جیلانی خان پسر سپهسالار مرحوم غلام حیدرخان چرخ میباشند. برای مشارالیها تعلیمات خصوصی داده شده است که مراقبتی که برای طالبات باعفت و با عصمت افغان لازم است، بر آنها داشته باشد. چون این مسئله در نظر عموم سوء تلقی شده است و گمان میکنند که آنها درممالک اروپا بصورت هائیکه برای دختر های افغانی نا مناسب است، امرار حیات میکنند، لهذا محض ممانعت از سوء تفهیم و نیز تشتت و تفرق کلمه ملت، آنها را پس خواستیم.

5 - نظریه من درباب علمای دیوبند که ورود آنها را در افغانستان ممنوع قرار داده بودم، بجهت آن بود که ازخود موسسه دیوبند ضرری ملحوظ نبود، بلکه بعضی از [شاگردان و علمای] دارالعلوم مذکور بنا برنابلدی احوال این مملکت

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

آله اغراض صاحب غرضان گردیده بنام تعلیم یافته دیوبند و نشر مذاهب و مسالک مختلف مثل قادیانیها در این مملکت نموده وحدت ملی و مذهبی افغانستان را اخلال می نمودند، لهذا جلوگیری از آن شده بود. چون این مسئله هم موجب آزردگی و سوء تلقی گردید، من منظور نمودم که من بعد علمای دیوبند با شهادتنامه دارالعلوم مذکور به افغانستان مثل سایر علمای دیگر وارد شده میتوانند.

6 - قبل از اینهم چنانچه مجلس علمای قندهار نیز اعتراف دارند، در ماده 204 الی 208 نظامنامه جزای عمومی برای رشوت مجازات تعیین شده است، حالا نیز دقت مخصوص برای اجرای جزای مرتکبین آن خواهم کرد و چون مدعی العموم ها حسب ماده 3 تعیین میشوند، آنها نیز مراقبت خواهند کرد.

7 - در مسئله ستر لویه جرگه امساله [1307] چنان فیصله شده بود که حکومت اشخاص و طوایفی را مثل کوچی ها و غیره که عادت به برقع و ستر ندارند، اجباراً به پوشیدن برقع نکند و نیز شهری ها را مجبور برفع حجاب ننماید. من نیز همین مقررات جرگه را عیناً تعمیل و پیروی میکردم تنها بموجب فتوای بعضی علما که به استناد آیه کریمه (ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها) جواز داده بود فقط چند نفر دست و روی خود را نمی پوشیدند.

چون بعضی مخالفین صاحب غرض این مسئله را بزرگ نشان دادند که گویا من جبراً روی خانها را برهنه ساخته ام و همچنین تولید سوء تفاهم نموده است و بد تلقی گردیده، من تماماً ممانعت نمودم که همانقدر دست و روی را نیز برهنه نمایم و موی های خود را نیز قطع نکنم و نکرده اند.

8 - تدریس به شرط شهادتنامه مشروط گردیده بود. مقصد من بود که اینکارها نیز به اهل آن سپرده شده هرکس تحت نام مدرس موجب گمراهی مردم نشود. شرط شهادتنامه تدریس را برداشتم.

9 - اخذ عسکر که از روی نفوس کرده میشود و برای قرعه عسکری نفوس شماری گردیده و تذکره داده میشود، بمقصد آن بود که تمام افراد ملت به خدمت عسکری و حفاظت مملکت خود قیام داشته و شامل باشند. چونکه اهالی به آن راضی نیستند آینده نفوس شماری و توزیع تذکره را موقوف کرده اخذ عسکر بصورت قومی از روی تقسیم کرده خواهد شد.

10 - در خصوص جزای شراب نوشی مخالفین و صاحب غرضان چنان اشاعت داده آمد که حکومت بقصد از جزای شراب نوشی اغماض میکند، حالانکه خود من بالذات ازین مضرت عظمی جلوگیری به هر رنگ کرده و احکام و اوامر نظامات موجوده بشدت تمام جزای شراب خوران را حکم نموده است. حالا چون محتسبین منظور شدند، هرکسی را که محتسبین به این جنایت گرفتار ببینند، البته سزا میدهند و خود من هم بالذات آنرا مراقبت جدی میکنم که در بازخواست آن تساهل نشود.

11 - در باب محکمه احتساب حکومت غفلت نکرده، ولی برای اینکه خود احتساب هم با شرایط و ارکان اجراء شود، ضرورت تألیف یک کتاب بزبان فارسی بوده است، چنانکه کتاب مذکور در زیر تألیف است. در هر حکومتی [مقصد واحد اداری است "ولسوالی"] یک محتسب منظور شد که تمام اوامر و نواهی شریعت را دقت کرده شرعاً جزاء بدهد و تا تعیین صورت انتخاب محتسب فوری از طرف خود علمای محلی یک نفر که اهل این کار باشد، انتخاب شود منظور است که بموجب احکام شرعیه در مسایل تعمیل اوامر و نواهی دقت و مراقبت کند و مطابق شرع شریف جزاء بدهد.

12 - در باب تعطیل جمعه به پنجشنبه نظریه من این بود که به سبب تعطیل و رخصتی مامورین و طلبه در روز جمعه اکثر به خارج شهر بدیگر امور مشغول بوده و صلوة جمعه حاضر نمی شدند؛ چون رخصتی جمعه به پنجشنبه تبدیل شد، نفری مذکور همه به نماز جمعه مرتب حاضر می شدند و این تبدیل هم بموجب فتوای علما شد که در روز جمعه کارکردن را جائز دانستند و بساعت نماز تمام پولیس ها به مثل محتسبین مامور بودند که دکاندارها و تمام مسلمین را برای ادای نماز صلوة الجمعة به مساجد سوق دهند. چون این مسئله هم اسباب آزردگی بعضی ها گردید، رخصتی پنجشنبه پس بروز جمعه تبدیل نمودن را منظور نمودم و بروز عرفة نیز من بعد تعطیل خواهد بود.

13 - نسبت به برقع چین دار نیز که به برقع قندهاری یا شامی تبدیل آن مناسب دیده شده بود، قید مذکور را لغو نمودم. هر زن میتواند که چادری چین دار بپوشد و لباس اروپائی را نپوشد.

14 - در باب مریدی و پیری نظریه من چنان بود که تنها عسکری ها (افسر و سپاهی) باید در وقت مرید شدن از من اذن بخواهند، نه که سائر مردم. چون این مسئله چنان تعبیر شده است که من قطعاً پیری و مریدی را منع نموده ام، لهذا من شرط استیذان را که محض برای نظامیها بود، نیز لغو نمودم.

15 - در باب منع ازدواج طلبه که دوره تحصیل خود را پوره نکرده باشند، فکر این بود که تأهل مانع تکمیل تحصیلات میشود. حالا که این مسئله هم درست فهمیده نشد، این قید را نیز برداشتم.

16 - مکتب مستورات به فتوای علما تأسیس شده بود، ولی حال تا مجلس وکلا و مجلس اعیان مندرجه ماده 2 که ترتیب صحیح آنرا می سازند مشغول تنظیم آن شوند، معطل باشد. همچنان ریاست حمایت نسوان.

17 - منع قرض برای آن بود که موجب دعاوی زیاد و موجب پیش خورگی و خسارت مامورین دولت میشد و بعضی مامورین یک گونه صرف نفوذی [واسطه] هم در گرفتن قرض می نمودند، چون اینهم سوء تلقی گردیده است، ممانعت آنرا الغا کردم.

18 - در باب لباس چنان فهمیده شد که این حکم برای هرکس و جبری بوده است ولی این حکم تنها برای شهرکابل بود، نه افغانستان. چون این مسئله موجب زحمت و آزردهی مردم دیده شد، منظور نمودم که قید لباس برای عموم رعایا نباشد و به هر طرز و قسمی که پوشاک جائز شرعی بپوشند و استعمال کنند، جائز است.

بعد ازین همه ایضاحات و اصلاحات و رفع شکایات میخواهم به شما واضح و صریح بگویم که مقصد من از تجویز این تعدیلات شخص خودم نیست؛ من اهمیت به پادشاهی خود نمیدهم، بلکه مقصدم باز محض خدمت به ملک و ملت عزیز خودم و بدین واسطه تحصیل رضای الهی جل و جلا له است.

اگر مردمیکه رخنه در اتفاق ملت و دولت خود انداخته اند با وجود خواندن این اعلان دست از مخالفت نکشند، مسئولیت نتایج وخیم و اسفناک که بخود شان میرسد و به دولت میرسانند، در دنیا و آخرت بدمه خود شان خواهد بود. آنها نباید چنان فکر کنند که ما به دولت ضرر رسانیدیم، بلکه این ضرر و خسارت عیناً بخود شان، به ملت شان و به مملکت شان و به عالم اسلام است. چنانچه من هم ضرر و خسارت بسیار زیاد به این گونه مردم که سر مخالفت بلند کرده اند، رسانیده میتوانم، ولی تاحال هیچ تعرض به ایشان نکرده ام بلکه هر حمله و تجاوز از طرف آنها بوده است. سبب انهم این است که من خسارت آنها را عیناً خسارت خود میدانم. مسلمان کشی و تباهی اسلحه و جبهه خانه که برای دفع شر کفار تهیه شده بود، من هیچگاه روادار نیستم. لهذا هرچه در باب تسلی شکایات ممکن بود، چنانچه در این اعلان دیدند، نمودم.

در آخر با آیات کریمه قرآن عظیم الشان که میفرماید: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا و اذکرو انعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً. و لا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءتهم البیات... و [چند آیه مبارکه دیگر که همه در وصف برادری و اجتناب از قتل مومنان در کلام الله مجید مذکور شده اند، از ذکر آن در اینجا صرف نظر میگردد. کاظم] یاد آوری می نمایم. من تا امروز هرچه کرده ام برای ترقی شما ملت و نیت خیر شما بوده است. هیچگاه آرزو نداشتیم و ندارم که خلاف دین اسلام و شرع شریف کار کنم. حالا هم برای برداشتن تفرق و اختلاف یک دقیقه اولتر مطالبی را که سوء تفاهم واقع نموده است، بصورت فوق اصلاح نمودن را منظور نمودم.»

امضاء "امان الله"

برگرفته از کتاب "اسناد و نامه های تاریخی افغانستان"، گردآورنده: شهرت ننگیال، پشاور 1377، صفحه 23 تا 29

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ